## جلسه 81-939

**‌شنبه - 12/12/1402**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

قبل از این‌که بحث مسأله 16 را دنبال کنیم یک نکته‌ای از مسأله گذشته عرض کنم:

در فرض تقیه خوفیه ما عرض کردیم شرطیت سجود بر ما یصح السجود علیه ساقط می‌‌شود که روایت هم داشتیم که لا بأس بالسجود علی المِسح و البساط فی حال التقیة، ولی قبلا در بحث مسأله 23 از مسجد الجبهة که در ادامه مکان مصلی هست عرض کردیم مقتضای جمع بین روایات این است که اگر نتواند بر زمین سجده کند یا بر چیزی که از زمین روییده و ملبوس و مأکول نیست مثل چوب نتواند سجده کند، نوبت می‌‌رسد به ثوب متخذ از قطن و کتان. و اگر هم ثوب متخذ از قطن و کتان نبود نوبت می‌‌رسد به ثوب دیگر. اگر ثوب دیگر هم ممکن نبود نوبت می‌‌رسد به سجده بر روی کف دست، ظهر الکف. اگر او هم ممکن نبود نوبت می‌‌رسد به اشیای دیگر. حالا این روایت صحیحه که سجود بر مسح که یک ثوب غلیظ بود، یا بساط، فرمود در حال تقیه اشکال ندارد، این البته مطلق است و ممکن است بگوییم در حال تقیه اگر نتوانی سجود کنی بر ما یصح السجود علیه دیگر این مراتبی که در آن روایات مطرح شد برای عاجز از سجود بر ما یصح السجود علیه دیگر رعایتش لازم نیست. تقیه این امتیاز را بر بقیه موارد عذر دارد، در سایر موارد عذر مراتب باید حفظ بشود، ‌اگر عاجز شدی از ما یصح السجود علیه نوبت می‌‌رسد به ثوب متخذ از قطن یا کتان، اگر این هم نشد نوبت می‌‌رسد به مطلق ثوب، او هم نشد نوبت می‌‌رسد به ظهر الکف، او هم نشد دیگر آزادی بر هر چه می‌‌خواهی سجده کنی، اما فی حال التقیة دو روایت صحیحه بود که می‌‌گفت لا بأس بالسجود علی المسح، در یک روایتش هم می‌‌گفت و البساط.

مسأله 16: در مسأله 16 بحث این است که اگر کسی فراموش کرد دو سجده را یا یک سجده را، حکمش چیست؟

صاحب عروه تفصیل داده بین نسیان سجده در رکعت اخیره و نسیان رکعه در رکعات سابقه، در رکعت اخیره فرموده اگر سلام بدهی بعد یادت بیاید دو سجده را فراموش کردی نماز باطل است یادت بیاید یک سجده را فراموش کردی قضا بکن سجده را، چون سلام مخرج از نماز است، محل تدارک سجده یا سجدتین از بین می‌‌رود، اما در رکعات سابقه فرموده است اگر قبل از رکوع ملتفت بشوی تدراک می‌‌کنی آن سجده منسیه را یا سجدتین منسیتین را، بعد از رکوع ملتفت بشوی اگر سجدتین را فراموش کردی نماز باطل است، ‌سجده واحده را فراموش کردی قضا بکن بعد از نماز آن سجده واحده را. این محصل نظر صاحب عروه است که هم این‌جا مطرح کرده هم در بحث خلل در مسأله 15 مطرح کرده. می‌‌گویند نظر مشهور هم همین است، همین تفصیل بین نسیان سجده در رکعت اخیره و نسیان سجده در رکعات سابقه است.

ما این را بررسی کنیم: مسأله صوری دارد:

صورت اول این است که منسی سجده واحده باشد در غیر رکعت اخیره، حکم روشن است، قبل از رکوع اگر ملتفت بشوی بر می‌‌گردی آن سجده را تدارک می‌‌کنی، بعد از رکوع ملتفت بشوی نمازت را تمام می‌‌کنی بعد از نماز قضا می‌‌کنی سجده منسیه را.

مرحوم آقای خوئی فرمودند: این‌که روایت دارد بحثی نیست، اما اگر علی القاعدة هم اگر ما بودیم همین را می‌‌گفتیم، چرا؟ برای این‌که وقتی رکوع نکردی ملتفت بشوی به نسیان سجده واحده محل تدارک باقیست، تدارک باید بکنی تا ترتیب بین اجزای نماز حفظ بشود. آن زیاده‌هایی هم که انجام شده زیاده سهویه است، تشهد را زیاد کردی، قیام را زیاد کردی، تسبیحات اربعه را زیاد کردی، فدای سرت، فوقش سجده سهو دارد، بیشتر از این‌که نیست، اما اگر بعد از رکوع ملتفت بشوی محل تدارک سجده گذشته و حدیث لاتعاد می‌‌گوید این نماز صحیح است، لاتعاد الصلاة الا من خمس السجود یعنی اخلال به کلتا السجدتین، شما که اخلال به کلتا السجدتین نکردی، ظاهر کلام ایشان این است که با حدیث لاتعاد هم ایشان این نماز را تصحیح می‌‌کند، ‌فقط وجوب قضا را ما با دلیل خاص ثابت کردیم، ‌اگر نبود دلیل خاص می‌‌گفتیم اصلا قضا هم ندارد مثل نسیان قرائت که قضا هم ندارد نسیان سجده واحده هم می‌‌گفتیم قضا ندارد، دلیل خاص آمد گفت قضا واجب است بعد از رکوع اگر ملتفت بشوی ما هم قضا می‌‌کنیم بعد از نماز این سجده منسیه را.

انصافا این فرمایش درست نیست. لاتعاد الصلاة الا من خمس السجود ظاهرش طبیعی سجود است، و اگر ما بودیم و حدیث لاتعاد عام می‌‌گفتیم ترک سهوی سجده واحده هم مبطل نماز است، دلیل خاص آمد در نسیان سجده واحده گفت که اذا ذکر بعد الرکوع یتم صلاته و یقضی سجدة بعد الصلاة، اگر این دلیل خاص نبود ما می‌‌گفتیم این نماز باطل است حدیث لاتعاد شامل آن نمی‌شود. پس ما نیاز داریم به دلیل خاص. دلیل خاص روایاتی است از جمله صحیحه اسماعیل بن جابر و موثقه عمار و صحیحه ابی بصیر. ما اول موثقه عمار و صحیحه ابی بصیر را بخوانیم بعد صحیحه اسماعیل بن جابر را که یک مقدار نسخه‌اش اختلاف دارد بعد عرض می‌‌کنم.

صحیحه ابی بصیر، وسائل جلد 6 صفحه 365 سند تهذیب را که ذکر می‌‌کند مشتمل بر محمد بن سنان است، ولی سند صدوق مشتمل بر محمد بن سنان نیست، رواه الصدوق باسناده عن ابن مسکان عن ابی بصیر یعنی المرادی، ابی بصیر لیث مرادی نه یحیی بن القاسم و سند صدوق به آن‌چه که از ابن مسکان نقل کرده صحیح است، دارد سألته عمن نسی ان یسجد سجدة واحدة فذکرها و هو قائم قال یسجدها اذا ذکرها ما لم یرکع فان کان قد رکع فلیمض فی صلاته فاذا انصرف قضاه و لیس علیه سهو، سجود سهو هم ندارد.

روایت دوم موثقه عمار هست او را هم بخوانیم، در موثقه عمار که جلد 6 وسائل صفحه 364 نقل می‌‌کند می‌‌گوید عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث انه سأله عن رجل نسی سجدة فذکرها بعد ما قام و رکع قال یمضی فی صلاته و لایسجد حتی یسلّم فاذا سلم سجد مثل ما فاته قلت فان لم یذکر الا بعد ذلک قال یقضی ما فاته اذا ذکر.

اما روایت صحیحه اسماعیل بن جابر، ‌این صحیحه هم در تهذیب نقل شده هم در استبصار، عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجل نسی ان یسجد السجدة الثانیة، این حالا متن وسائل هست، طبق این متن پیش برویم، فی رجل نسی ان یسجد السجدة الثانیة حتی قام فذکر و هو قائم انه لم یسجد قال فلیسجد ما لم یرکع فاذا رکع فذکر بعد رکوعه انه لم یسجد فلیمض فی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها فانها قضاءٌ.

در تهذیب جلد 2 صفحه 153 که این روایت را نقل می‌‌کند دارد فی رجل نسی ان یسجد سجدة الثانیة، نه السجدة الثانیة، نسخه والد شیخ بهائی هم همین‌طور است، ولی در وافی که نقل می‌‌کند جلد 8 صفحه 930 مثل صاحب وسائل نقل می‌‌کند نسی ان یسجد السجدة الثانیة، ‌الف و لام دارد، الف و لام که داشته باشد روشن است یعنی سجده دوم را فراموش کرده است، ‌اما اگر الف و لام نداشته باشد ممکن است کسی بگوید عن رجل نسی ان یسجد سجدة الثانیة یعنی سجدة الرکعة الثانیة، یعنی سجده رکعت دوم را کلا فراموش کرد نه این‌که یکی را آورد دومی را فراموش کرد. در استبصار جلد 1 صفحه 359 دارد فی رجل نسی ان یسجد سجدة من الثانیة.

پس فقط مشکل این است که در تهذیب که ما داریم و خط والد شیخ بهائی هم مطابق با آن است دارد فی رجل نسی ان یسجد سجدة الثانیة.

[سؤال: ... جواب:] در استبصار دارد فی رجل نسی ان یسجد سجدة من الثانیة، او هم یعنی سجده واحده را از رکعت ثانیه فراموش کرد، او هم مشکل ندارد یعنی یک سجده را از رکعت ثانیه فراموش کرد. فقط در تهذیب مشکل ایجاد می‌‌کند آن هم به نقل تهذیب موجود نه تهذیبی که وافی از آن نقل می‌‌کند. تهذیب موجود که موافق با خط والد شیخ بهائی است، رجل نسی ان یسجد سجدة الثانیة.

و لکن انصاف این است که این قطعا اشتباه است، الف و لامش یا افتاده یا مِن بعد از سجده افتاده، سجدة من الثانیة یا السجدة الثانیة.

[سؤال: ... جواب:] اگر رجل نسی ان یسجد سجدة الثانیة باشد قد یقال که ظاهرش این است که رکعت دوم را کلا فراموش سجده بجا بیاورد. رجل نسی ان یسجد سجدة الرکعة الثانیة. جای این هست که کسی بگوید سجدة الرکعة الثانیة نسیان سجده رکعت ثانیه اطلاقش می‌‌گوید هر دو سجده را فراموش کرد و لکن قطعا این تعبیر اشتباه است و مراد واضح است.

مخصوصا با جوابی که در کلام امام علیه السلام هست چون در جواب امام داشت فلیسجد ما لم یرکع فاذا رکع فذکر بعد رکوعه انه لم یسجد فلیمض فی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها نفرمود ثم یسجدهما، ثم یسجدها فانها قضاء. علاوه بر این‌که محتمل نیست که نسیان سجدتین از یک رکعت موجب قضای سجدتین بعد از نماز بشود و هیچ‌کس این را قائل نشده. عرض کردم نسخه تهذیب هم که در او اختلاف بود ولی نسخه استبصار اختلاف در او نبود. شیخ هم در خلاف که جلد 1 صفحه 456 ذکر می‌‌کند آن‌جا هم شبیه همان استبصار ذکر می‌‌کند، تعبیر این است: فی رجل نسی ان یسجد السجدة الثانیة، الف و لام دارد.

پس این صورت اول مشکلی ندارد.

اما صورت دوم: صورت دوم این است که دو سجده را فراموش کند، اگر دو سجده را فراموش کند حکم چیست؟ قبل از رکوع ملتفت بشود مقتضای قاعده این است که تدارک کند چون تدارک که کرد برگشت سجدتین را تدارک کرد اخلالی نکرده است به ارکان نماز فوقش آن زیاده تشهد و قیام و تسبیحات اربعه مثلا می‌‌شود زیاده سهویه، سجود سهو فوقش دارد. اما از سه بزرگ نقل شده که گفتند نماز باطل است و لو قبل از رکوع. نگاه کنید ببینید کلام این سه بزرگوار با این نقل می‌‌سازد؟

یکی شیخ مفید در مقنعه است، صفحه 138: و ان ترک السجدتین من رکعة واحدة اعاد علی کل حال و ان نسی واحدة منها آن‌جا تفصیل می‌‌دهد می‌‌گوید ثم ذکرها قبل الرکوع سجدها ثم قام و ان لم یذکرها حتی یرکع قضاها بعد التسلیم، گفته می‌‌شود مرحوم شیخ مفید فرمود ان ترک سجدة من رکعة واحدة اعاد علی کل حال ولی در نسیان سجده واحده تفصیل داد بین ماقبل رکوع و مابعد رکوع.

و همین‌طور ابوالصلاح حلبی در الکافی فی الفقه صفحه 119 دارد: ان سها عن سجدتین من رکعة فسدت صلاته و ان سها عن سجدة تفصیل می‌‌دهد که فذکرها قبل ان یرکع سجدها ان لم یذکرها حتی رکع فلیمض فی صلاته فاذا سلم سجدها. می‌‌گویند تفصیل داد در نسیان سجده واحده بین تذکر ما قبل الرکوع و تذکر ما بعد الرکوع ولی در نسیان سجدتین مطلقا گفت فسدت صلاته.

و همین‌طور سرائر جلد 1 صفحه 240: و ان ترکهما ناسیا و دخل فی حالة اخری و تقضّت حالهما یعنی حال سجدتین گذشت، حال سجدتین می‌‌گذرد و لو در حال قیام باشد هنوز رکوع نرفته باشد، مثاله ترکهما حتی قام الی الرکوع ثم ذکر وجبت علیه الاعادة، اما در نسیان سجده واحده باز تفصیل می‌‌دهد بین ما قبل رکوع و ما بعد رکوع.

به نظر ما خیلی بعید است این سه بزرگوار بخواهند بگویند نسیان سجدتین و لو قبل از رکوع ملتفت بشوی و امکان تدارک باشد اما همین کافی است برای حکم به بطلان نماز.

[سؤال: ... جواب:] اتفاقا ابن ادریس گفت حتی قام الی الرکوع ظاهرش این است که یعنی حتی رکع و الا می‌‌گفت حتی قام، چرا حتی قام الی الرکوع؟ تقضت حالهما شاید مقصود این است که دیگر حال تدارک‌شان هم گذشت، یعنی محل تدارکی‌اش هم گذشت.

و همین‌طور مرحوم شیخ مفید و ابوالصلاح حلبی تعبیرشان این است که ان ترک السجدتین من رکعة واحدة اعاد علی کل حال, اصلا اگر برگردد قبل از رکوع تدارک کند صدق نمی‌کند ترک السجدتین من رکعة واحدة. اعاد علی کل حال یعنی چه عمدا باشد چه سهوا ولی در صورتی که ترک صدق بکند، ترک کی صدق می‌‌کند؟ موقعی که رکوع برود ولی تدارک نکرده باشد.

[سؤال: ... جواب:] سجده واحده تفصیلش به لحاظ اداء و قضا است. ... ... اشکال ندارد، لاتعاد الصلاة الا من خمس کی صدق می‌‌کند؟ موقعی که شما قبل از رکوع تدارک نکنی، حالا این را توضیح می‌‌دهیم.

حالا سلمنا که عبارت این سه بزرگوار ظاهر در این است که قبل از رکوع هم ملتفت بشوی به نسیان سجدتین نماز باطل است، می‌‌گوییم چرا باطل است؟ می‌‌گویند چون عرفا اخلال کردی به سجود، عرفا صدق می‌‌کند اخلال به سجود و لو اخلالی است که قابل تدارک است. اگر هنوز وارد جزء بعدی نشدی، هنوز وارد تشهد نشدی، یک آن فراموش کردی نشستی فکر می‌‌کردی سجدتین را بجا آوردی بعد یادت آمد بجا نیاوردم تدارک کردی، ‌آن‌جا عرفا اخلال نکردی و لو حدوثا نسیان کردی سجدتین را فکر می‌‌کردی سجدتین را آوردی می‌‌خواستی تشهد بگویی ناگهان متوجه شدی سجدتین را فراموش کردی‌، آن‌جا نسیان کردی آناما سجدتین را ولی عرفا اخلال به سجدتین نکردی. اما اگر تشهد بخوانی بعد ملتفت بشوی به نسیان سجدتین عرفا اخلال کردی به سجدتین، گفته می‌‌شود لاتعاد می‌‌گوید اخلال به سجدتین موجب بطلان نماز است.

جواب این است: لاتعاد در جایی است که مقتضی برای اعاده نماز باشد، وقتی من هنوز وارد رکوع رکعت بعدی نشدم مقتضای قاعده عامه چیست؟ این است که تدارک کنم سجدتین را. لاتعاد الصلاة می‌‌گوید جایی که خلل می‌‌رسد به یک جزئی و او مقتضی اعاده است من تفصیل می‌‌دهم بین جزء رکنی می‌‌گویم اعاده بکن ولی جزء غیر رکنی می‌‌گویم اعاده ندارد، اصلا نسیان سجدتین و تذکر آن قبل از رکوع مقتضی اعاده نیست طبق قواعد عامه. اگر مجمل هم باشد نمی‌توانید تمسک کنید به لاتعاد رجوع می‌‌کنیم به قاعده اولیه که اقتضا می‌‌کند که این نماز صحیح است و با تدارک سجدتین مشکل حل می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] اخلال شد به تشهد که تشهد زاید سهوا آوردی. ... برگشتم سجدتین را تدارک کردم. ... چرا در محلش نیست؟ شما باید به ترتیب چایی می‌‌دادی، یادتان رفت این علامه دهر را چایی بدهی رفتی شاگردش که بغل‌دستش بود آن‌جا چایی را گذاشتی جلویش، بعد آن چایی را بر می‌‌داری می‌‌گویی ببخشید اشتباه شد بر می‌‌گردید در محضر آن علامه دهر چایی را می‌‌گذاری بعد دومرتبه می‌‌آیی آن طرف. ... اصلا چایی دیگری یعنی چه؟ آن چایی زیاده سهویه بوده، آن چایی را می‌‌ریزی زمین، آیا عرفا اخلال کردی به چای دادن به ترتیب به آن آقا؟ ببینید ما که لفظ ترتیب نیامده در روایت، مهم این است که اسجد سجدتین ثم تشهد ثم قم ثم اقرأ التسبیحات الاربعة ثم ارکع، ما انجام دادیم.

آقای خوئی فرموده من به دلیل اولویت هم تمسک می‌‌کنم، نسیان سجده واحده قبل از رکوع به او می‌‌گویی تدارک کن، برگرد، مشکلی نیست، تشهد اضافی آوردی فدای سرت، قیام اضافی آوردی فدای سرت، تسبیحات اضافی آوردی فدای سرت، هنوز که رکوع نیاوری، این آقا بگوید من دو سجده فراموش کردم این‌جا بگویید دیگر فدای سرت دیگر در کار نیست، ‌چرا فدای سرت در کار نیست چون وارد تشهد و قیام و تسبیحات اربعه شدی سهوا می‌‌گوید من سجده واحده را گفتم فراموش کردم گفتی فدای سرت این اضافات بعدی سهوا بوده، حالا هم که نسیان سجدتین کردم و می‌‌خواهم تدارک کنم به جرم این‌که چرا تشهد سهوی بجا آوری قیام سهوی بجا آوردی تسبیحات اربعه سهوی بجا آوری می‌‌خواهی من را به صلابه بکشانید بگویید نمازت باطل است این عرفی نیست.

این در صورتی است که قبل از رکوع ملتفت بشود به نسیان سجدتین. اما اگر بعد از رکوع ملتفت بشود، مقتضای قاعده مشهور می‌‌گویند این است که نماز باطل است.

[سؤال: اولویت را پذیرفتید؟ جواب:] وقتی آدم می‌‌بیند که دیگر جایی برای اشکال نیست سکوت می‌‌کند یعنی قبول کرده.

اگر بعد از رکوع ملتفت بشود به نسیان سجدتین، مشهور می‌‌گویند نماز باطل است. اما یک عده‌ای هستند در مقابل مشهور این‌ها هم حرف دارند برای خودشان، یک: آقای سیستانی، آقای سیستانی می‌‌گویند چرا نماز باطل است؟ بعد از رکوع بر می‌‌گردم تدارک می‌‌کنم سجدتین را یک رکوع دیگر بجا می‌‌آورم، فوقش می‌‌شود زیاده سهویه آن رکوع اول. زیاده سهویه ارکان مشمول عقد مستثنی‌منه لاتعاد است، ‌از کجا؟ چون ذیل لاتعاد گفت السنة لاتنقض الفریضة، آن‌چه که از اجزا و شرایط و موانع در قرآن بیان نشده است و در روایات بیان شده است این مصداق سنت است، یکی از این‌ها نهی از زیاده رکوع است در قرآن‌ که نیامده است در روایات آمده، وقتی در روایات این آمده پس می‌‌شود مانعیت زیاده رکوع سنت و السنة لاتنقض الفریضة.

امام هم در کتاب الخلل همین را بیان کردند گفتند مقتضای السنة لاتنقض الفریضة این است که بگوییم زیاده سهویه رکوع مبطل نیست.

البته آقای سیستانی در مقام فتوا فتوا ندادند احتیاط واجب کردند که بعد از رکوع اگر ملتفت بشود به نسیان سجدتین بنا بر احتیاط واجب نماز باطل است و الا نظر خود ایشان می‌‌تواند این باشد که نماز باطل نیست با تدارک سجدتین فوقش زیاده سهویه رکوع پیش می‌‌آید او هم که مضر نیست. جاهای دیگر فتوا می‌‌دهد مثل طواف، ‌ایشان می‌‌گویند اگر یک زن و شوهری در حال طواف اختلاف بکنند، زن می‌‌گوید هفت شوط بجا آوردیم مرد! یعنی نماز طواف بخوانیم، مرد می‌‌گوید: نه، ما شش شوط بجا آوردیم، یک شوط دیگر باید من بجا بیاورم، زن می‌‌گوید من که رفتم هر کس به وظیفه خودش عمل می‌‌کند، می‌‌روم آن‌جا تا نماز بخوانم تو هم بیا، از نظر این خانم مرد چند شوط بجا آورده؟ هشت شوط، چون زن می‌‌گوید شوط‌مان کامل بود تو بیخود فکر می‌‌کنی شش شوط بجا آوردیم و یا بالعکس مرد می‌‌گوید زن! هفت شوط بجا آوردیم زن می‌‌گوید: نه، برو، اصلا من تو را قبول ندارم، ما شش شوط بجا آوردیم، مرد می‌‌گوید قبول نداری قبول نداشته باش یک عمر است من را قبول نداری این هم روش، من رفتم، تو هم یک شوط دیگرت را بجا بیاور طبق تشخیص خودت بیا، از نظر این مرد زن چند شوط بجا آورده در این مثال دوم؟‌ هشت شوط، این‌ها با هم کار دارند، به هم احتیاج دارند فردا می‌‌خواهند با هم زندگی کنند روزها با هم دعوا می‌‌کنند همیشه که دعوا ندارند، آقای سیستانی می‌‌گویند عیب ندارد، از نظر آنی که می‌‌گوید آن دیگری هشت شوط بجا آورده واقعا طواف صحیح است چون می‌‌شود زیاده سهویه شوط اما پناه بر خدا اگر مرد ببیند زن شش شوط بجا آورده، مثال اگر این‌طور باشد آن وقت دیگر مشکلات بوجود می‌‌آید، حالا تقاضا کند که زن!‌ از خر شیطان بیا پایین من به نظرم تو شش شوط بجا آوردی مدام می‌‌گویی من هفت شوط بجا آوردم، من چکار کنم؟ بروم زن دیگر بگیرم، نمی‌توانم، اصرار باید بکند به این زن که از خر شیطان بیاید پایین اما اگر نه، امر دائر است یعنی بحث زیاده اشواط پیش بیاید در آن مثال‌هایی که زدیم مشکل حل است، ‌زیاده سهویه اشواط است، السنة لاتنقض الفریضة.

ما در بحث قبل عرض کردیم که ما السنة لاتنقض الفریضة را ظهوری در آن نمی‌بینیم که احکام رکوع را تقسیم بندی کند کدام حکم در قرآن آمده، ارکع در قرآن آمده ولی لاتزد الرکوع در قرآن نیامده. احتمال دارد السنة لاتنقض الفریضة ذوات این اجزا را می‌‌خواهد بگوید سنت، مثل قرائت، تشهد، و ذوات رکوع و سجود فریضه است، ‌فرائض خدا در آن هیچ خللی نباید رخ بدهد نه کم بشود نه زیاد، ‌شاید این را می‌‌خواهد بگوید. فرائض باید استاندارد باشد نه کم نه زیاد، در روایت داریم من اتم فی السفر اعاد لانه زاد فی فرض الله، شاید این را می‌‌خواهد بگوید نه این‌که احکام رکوع را تقسیم‌‌بندی کنیم جزئیت رکوع فریضه است مانعیت زیاده رکوع سنت است، که امام و آقای سیستانی دارند ما این را نمی‌فهمیم. احتمال هم بدهید عرض بنده درست است کافی است نگویید دلیلت بر این حرف‌ها چیست، اصلا دلیل من را قبول نکن احتمال هم بدهی حرف من درست باشد دیگر نمی‌توانی تصحیح کنی این زیاده رکوع را.

بیان دوم این است که بعضی‌ها گفتند رکوع را که کرد فدای سرش سجدتین را هم تدارک می‌‌کند رکوع را تکرار نمی‌کند اخلال کرده به ترتیب، ‌ذات رکوع رکعت دوم را آورد، بر می‌‌گردد ذات سجدتین رکعت اول را تدارک می‌‌کند می‌‌گوید خدا! رکوع خواستی آوردم، سجود خواستی آوردم، می‌‌گویی ترتیب بین این‌ها بهم خورد فدای سرت، السنة‌ لاتنقض الفریضة اخلال به شرطیت ترتیب اخلال به سنت است.

[سؤال: ... جواب:] عمدا یعنی؟ قبل از رکوع یعنی عمدا؟ عمدا که فرض نیست، فرض این است که رکوع کرد سهوا قبل از سجدتین. الان سجدتین را تدارک می‌‌کند می‌‌گوید خدا! ذات سجدتین را که آوردم اخلال به ترتیب کردم اخلال به ترتیب که مشمول عقد مستثنی‌منه لاتعاد است نه عقد مستثنای لاتعاد.

ببینیم این بیان بیان درستی است که کسی که رکوع رکعت ثانیه را قبل از سجدتین رکعت اولی سهوا بیاورد این عرفا اخلال کرده به ذات سجدتین یا اخلال به ترتیب کرده و حدیث لاتعاد شاملش می‌‌شود انشاءالله این را فردا بررسی می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.